

#### بازخوانی حقوق دختران روستایی در آستانه روز دختر

# دختران روستا عدالت می‌خواهند

### دختران روستایی با استناد به اصل سوم قانون اساسی حقوقی دارند که کاوش حقوقی آنها در چالش‌های تحصیل، سلامت و آینده می‌تواند بستری برای حکمرانی عادلانه باشد

که دختران پس از دوره ابتدایی به تحصیل ادامه دهند. در حوزه آینده، کارگاه‌های مهارت‌آموزی و تعاونی‌های زنان، بند۴ و ۹ را عملی می‌سازند. وام‌های کم‌بهره و بازارهای محلی، استقلال اقتصادی را تقویت می‌کنند.

این راهکارها، نه تنها حقوق دختران را احیا، بلکه به توسعه پایدار روستاها کمک می‌کنند. طبق گزارش‌ها، آموزش زنان روستایی می‌تواند تولید کشاورزی را تا ۲۰ درصد افزایش دهد و محرومیت را کاهش دهد. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری روی حقوق دختران، سرمایه‌گذاری برای آینده کل جامعه است.

#### ■ «امید» موتور محرک تغییر

دختران روستایی با وجود محرومیت‌ها، رؤیاهایی بزرگ دارند. فاطمه، ۱۲ ساله می‌خواهد معلم شود و به کودکان روستایش درس بدهد. زهرا، ۱۷ساله آرزوی پرستاری دارد تا به مردم کمک کند. پرپسا، ۱۹ساله می‌خواهد کارآفرین شود و زندگی خودآدهاش را تغییر دهد. این رؤیاها، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این دختران برای ساخت آینده‌ای بهتر است.

اصل سوم قانون اساسی، نقشه راهی است برای تحقق این رؤیاها. با رفع تبعیض (بند۹)، تأمین آموزش رایگان (بند۳) و رفع محرومیت (بند۱۲) می‌توان بستری فراهم کرد که این دختران نه تنها به حقوق خود برسند، بلکه به توسعه جامعه کمک کنند. رسانه‌ها با ترویج فرهنگ آموزش و استقلال اقتصادی (بند۲) می‌توانند این مسیر را هموار کنند.

برای تکمیل این بستر، باید به چالش‌های خاص مناطق روستایی توجه کرد. در برخی مناطق مانند سیستان وبلوچستان کمبود آب و زیرساخت‌های اولیه، تحصیل و سلامت را دشوار تر کرده است. در کردستان پراکندگی روستاها دسترسی به مدارس و مراکز بهداشتی را محدود می‌کند. در خوزستان گرمای شدید و نبود امکانات خنک‌کننده در مدارس، یادگیری را مختل می‌کند. این چالش‌ها، نیازمند بودجه‌ریزی هدفمند و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. بند ۱۰ اصل سوم، دولت را به «ایجاد نظام اداری صحیح» موظف کرده است که می‌تواند با تخصیص منابع عادلانه، این مشکلات را حل کند.

علاوه بر این، مشارکت جامعه محلی حیاتی است. همکاری با سازمان‌های روستایی و معتمدان محلی می‌تواند نگرش‌های فرهنگی را اصلاح کند. برنامه‌های آموزشی برای والدین که از طریق مساجد یا رسانه‌های محلی اجرا می‌شود، می‌تواند اهمیت تحصیل دختران را برجسته کند. بند۱۵ اصل سوم، بر «تحکیم برادری و تعاون عمومی» تأکید دارد که این همکاری‌ها را تقویت می‌کند.

#### ■ نقش دولت و جامعه در احیای حقوق دختران روستایی

دولت به عنوان مجری اصل سوم قانون اساسی، نقش کلیدی در احیای حقوق دختران روستایی دارد. تخصیص بودجه برای ساخت مدارس و کلینیک‌ها، اجرای برنامه‌های مهارت‌آموزی و ارائه حمایت‌های مالی، از وظایف اصلی است. اما این تلاش‌ها بدون مشارکت جامعه ناقص می‌ماند. خیرین محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان فرهنگی می‌توانند در تأمین منابع و آگاهی‌بخشی نقش ایفا کنند. برای مثال، خیرین مدرسه‌ساز در دهه‌های اخیر بیش از چندین هزار کلاس درس در مناطق محروم ساخته‌اند که نشان‌دهنده ظرفیت بالای جامعه برای تغییر است. رسانه‌ها نیز نقش مهمی دارند. برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند داستان‌های موفقیت دختران روستایی را منتشر کنند و الگوهای مثبت ارائه دهند. این اقدامات، بند۲ اصل سوم را عملی می‌کند و سطح آگاهی عمومی را بالا می‌برد. برای مثال، دختری مثل سیمیه، ۲۰ساله از هرمزگان که با یادگیری خیاطی توانسته درآمد مستقلی کسب کند، می‌تواند الهام‌بخش دیگران باشد.

روز «دختر» فرصتی است برای بازخوانی حقوق دختران روستایی با استناد به اصل سوم قانون اساسی. آنها از حق تحصیل، سلامت و فرصت‌های برابر محرومند، به‌ویژه پس از دوره ابتدایی که نبود زیرساخت‌های روستایی راه‌شان را سسد می‌کند، اما این گزارش دعوتی است به امید و تغییر. با ایجاد بستری‌های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی، می‌توان حقوق این دختران را احیا کرد. فاطمه، ۱۲ساله گفت: «اگر به ما فرصت بدن، می‌تونیم دنیا رو عوض کنیم». بیایید این فرصت را به آنها بدهیم و آینده‌ای روشن برای‌شان بسازیم.

عجبی‌اسامیل‌زاده |اسپهر



خیاطی، صنایع دستی و فناوری اطلاعات می‌تواند این خلأ را پر کند. پرپسا، ۱۹ساله می‌گوید: «اگر به کار یاد بگیرم، می‌تونم به خانواده‌م کمک کنم.»

فقر اقتصادی، مانع دسترسی به فرصت‌های شغلی است. بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند هزینه‌های آموزش مهارت یا رفت‌وآمد به شهر را تأمین کنند. سارا، ۱۸ساله از سیستان می‌گوید: «اگر کار بود، می‌تونستم خودم خرجم رو بدم.» این وضعیت، نقض بند۱۲ اصل سوم است که بر رفع فقر تأکید دارد. نبود زیرساخت‌های اقتصادی در روستاها، مانند تعاونی‌های زنان یا بازارهای محلی نیز مشکل‌ساز است. بند۱۶ساله می‌گوید: «اگر به جابود که کارای دستیم رو بفروشم، زندگیوم بهتر می‌شد.»

برای تضمین حق فرصت‌های برابر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
• مهارت آموزی: ایجاد کارگاه‌های آموزشی در روستاها، مطابق بند۴ اصل سوم.
• ایجاد اشتغال: توسعه تعاونی‌های زنان و بازارهای محلی برای فروش محصولات.
• حمایت مالی: ارائه وام‌های کم‌بهره به دختران کارآفرین، مطابق بند۱۲ اصل سوم.
• آگاهی‌بخشی: ترویج فرهنگ استقلال اقتصادی از طریق رسانه‌ها، مطابق بند۲ اصل سوم.
• یلا، ۲۰ساله می‌گوید: «اگر به کار داشته باشیم، می‌تونم روی پای خودم ایستم.» این امید، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این دختران برای تغییر است.

■ **راهکارهای حقوقی برای تحقق حقوق دختران روستایی**
تحقق حقوق دختران روستایی، نیازمند اقدامات هماهنگ و استناد طبق گزارش‌ها، زنان روستایی بیش از ۷۰درصد فعالیت‌های این گزارش است، ساخت مدارس متوسطه و تأمین حمل‌ونقل ایمن، می‌تواند بند۲ اصل سوم را عملی کند. ارائه بورسیه و کمک‌هزینه به خانواده‌های کم‌درآمد، محرومیت را کاهش می‌دهد و بند۱۲ را محقق می‌سازد. آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌ها، نگرش‌های فرهنگی را اصلاح و بند۲ را تقویت می‌کند. این اقدامات، بستری فراهم می‌کند

“

**کمبودمدارس متوسطه، حق تحصیل دختران روستایی را تهدید کرده است. ساخت مدارس، تأمین حمل‌ونقل ایمن و ارائه بورسیه، می‌تواند این حق را احیا کند و آینده‌ای روشن بسازد**

”

“

**نبود فرصت‌های شغلی، آینده دختران را تهدید می‌کند. مهارت‌آموزی، ایجاد اشتغال و حمایت مالی می‌تواند استقلال و امید را به آنها بازگرداند**

چون کار نیست، نمی‌دونم چی کار کنم.» زینب، ۱۶ساله از لرستان نیز می‌گوید: «دوست دارم خیاط شم، ولی هیچ جابهمون یاد نمیدن.» طبق گزارش‌ها، زنان روستایی بیش از ۷۰درصد فعالیت‌های کشاورزی و دامداری را انجام می‌دهند، اما سهمی از درآمد ندارند. این موضوع، استقلال اقتصادی آنها را سلب می‌کند. نبود برنامه‌های مهارت‌آموزی، دختران را از بازار کار دور نگه داشته است. بند۴ اصل سوم، دولت را موظف به «تقویت روح ابتکار و تنبّع» کرده، اما این حمایت در روستاها کم‌رنگ است. ایجاد کارگاه‌های

آموزش را مختل کرده است. لیللا، ۱۳ساله از سیستان می‌گوید: «معلممون از شهر میاد، ولی گاهی چشون راه دوره، نمی‌رسه.» نرخ باسواد۱ زنان روستایی همچنان پایین‌تر از مردان است که نشان‌دهنده نقض بند۹ اصل سوم در رفع تبعیض است. فقر اقتصادی، مانع اصلی تحصیل است. هزینه‌های رفت‌وآمد، لوازم‌التحریر و لباس فرم برای خانواده‌های کم‌درآمد سنگین است. زینب، ۱۴ساله از لرستان می‌گوید: «بابام می‌گه پول نداریم تو رو بفرستیم شهر برای درس.» این وضعیت، نقض بند۱۲ اصل سوم است که بر رفع فقر تأکید دارد. موانع فرهنگی نیز نقش دارند. در برخی مناطق، خانواده‌ها به دلیل دوری مسافت یا نگرش‌های سنتی، از تحصیل دختران در شهرها جلوگیری می‌کنند. نرگس، ۱۴ساله می‌گوید: «اگر مدرسه نزدیک بود، خوادام راحت‌تر راضی می‌شدن.»

برای ایجاد بستر مناسب تحصیل، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
• ساخت مدارس متوسطه: افزایش تعداد مدارس در مناطق روستایی برای کاهش دوری مسافت.
• حمل‌ونقل ایمن: تأمین سرویس‌های رایگان برای انتقال دختران به مدارس.
• حمایت مالی: ارائه بورسیه و کمک‌هزینه به خانواده‌های کم‌درآمد، مطابق بند۱۲ اصل سوم.
• آگاهی‌بخشی: اجرای برنامه‌های آموزشی برای تغییر نگرش‌های فرهنگی از طریق رسانه‌ها، مطابق بند۲ اصل سوم.
• فاطمه، ۱۲ساله می‌گوید: «اگر مدرسه نزدیک باشه، می‌تونم معلم شم و به بقیه درس بدم.» این امید نشان می‌دهد که با رفع موانع، می‌توان بند۳ اصل سوم را عملی کرد.
■ **آینده «حق فرصت‌های برابر**
بند۹ اصل سوم، دولت را موظف به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه» کرده است، اما دختران روستایی از فرصت‌های برابر برای ساخت آینده محرومند. پرپسا، ۱۹ساله از کردستان می‌گوید: «لم می‌خواد کار کنم و خرجم رو بدم، ولی تو روستا کار برای دخترا نیست.» لیللا، ۲۰ساله از خوزستان می‌افزاید: «دپلم گرفتم، ولی

«حقوق» در دل روستا هم جوانه می‌زند، اگر خاکش را با عدالت سیراب کنیم. در آستانه روز دختر، این گزارش سفری است به قلب روستاهای کشورمان؛ جایی که دختران با رؤیاهایی بزرگ برای تحقق حقوق اساسی خود، به‌ویژه حق تحصیل تلاش می‌کنند. فاطمه، ۱۲ساله از سیستان می‌گوید: «می‌خوام معلم شم، ولی مدرسه‌مون فقط تا پنجمه.» زهرا، ۱۷ساله از کردستان می‌پرسد: «چرا نمی‌تونم مثل همه دختران کشورم درس بخونم؟» این گزارش، صدای دخترانی است که پس از دوره ابتدایی، به دلیل نبود بستری‌های مناسب، از ادامه تحصیل محروم می‌مانند. مصاحبه‌های میدانی با دختران ۱۰ تا ۲۰ساله نشان می‌دهد آنها از حقوق خود آگاهند، اما فقر، کمبود زیرساخت و موانع فرهنگی، راه‌شان را اسد کرده است. اصل سوم قانون اساسی کشورمان، دولت را موظف به آموزش رایگان، رفع تبعیض و تأمین رفاه کرده است، اما این حقوق در روستاها کم‌رنگ مانده‌اند. این گزارش، نه روایت یأس، بلکه دعوتی به آینده‌ای روشن است که با سیاستگذاری حقوقی و ایجاد بستری‌های آموزشی، می‌توان عدالت را احیا کرد. همراه ما باشید با استناد به اصل سوم قانون اساسی، چالش‌های حقوقی دختران روستایی را بررسی و راهکارهایی برای شکوفایی حقوق‌شان پیشنهاد کنیم.

■ ■ ■

اصل سوم قانون اساسی کشورمان، نقشه راهی برای عدالت است. بند۱۳ این اصل، دولت را موظف به «آموزش وپرورش رایگان برای همه در تمام سطوح» کرده، بند۹ بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه» تأکید دارد و بند۱۲ خواستار «رفع فقر و محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت» است. این اصول، حقوق اساسی دختران را در تحصیل، سلامت و فرصت‌های برابر تضمین می‌کنند، با این حال در مناطق روستایی، این حقوق، به‌ویژه حق تحصیل، به‌طور کامل محقق نشده است. برای این گزارش، با ۲۰ دختر ۱۰ تا ۲۰ساله از روستاهای سیستان وبلوچستان، کردستان، خوزستان، لرستان و هرمزگان مصاحبه کردیم. این مصاحبه‌ها که با رعایت اصول اخلاقی انجام شد، نشان‌دهنده عمق محرومیت‌ها و اشتیاق این دختران برای احقاق حقوق‌شان است.

فاطمه، ۱۲ساله از سیستان وبلوچستان می‌گوید: «لم می‌خواد معلم شم، ولی مدرسه‌مون فقط تا کلاس پنجمه. برای ادامه درس باید برو شهر، ولی بابام می‌گه پول نداریم.» زهرا، ۱۷ساله از کردستان می‌افزاید: «دوست دارم پرستار شم، ولی خوادوم می‌گن رفتن به شهر برای درس خوندن برای به دختر سخته.» مریم، ۱۵ساله از خوزستان از کمبود امکانات گلایه می‌کند: «مدرسه‌مون نه کتابخونه داره، نه آزمایشگاه، معلممون هر سال عوض می‌شن.» سارا، ۱۵ساله از لرستان می‌گوید: «دپلم گرفتم، ولی چون دانشگاه نزدیک نیست، نمی‌تونم ادامه بدم.» نرگس، ۱۴ساله از هرمزگان نیز از موانع فرهنگی می‌نالد: «خواهرم چون رفت شهر برای درس، همه تو روستا حرف زدن. حالا خوادوم می‌گن من نباید برم.» این صداها، فریادی برای عدالت حقوقی است. دختران روستایی، آگاه به حق تحصیل، سلامت و فرصت‌های برابر، خواستار بستری هستند که اصل سوم قانون اساسی وعده داده است. آنها پس از دوره ابتدایی، به دلیل نبود زیرساخت‌های آموزشی، از ادامه تحصیل محروم می‌مانند و این نقض صریح بند۲ اصل سوم است.

#### ■ «تحصیل» حتی که در روستاها کم‌رنگ شد

بند۳ اصل سوم، آموزش رایگان تا پایان متوسطه را حق همه ایرانیان می‌داند، اما در مناطق روستایی، این حق به‌طور کامل محقق نشده است. طبق گزارش‌های رسمی حدود ۲۳درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی درستی نمی‌کنند، اما بسیاری از روستاها فاقد مدارس متوسطه هستند. دختران پس از دوره ابتدایی برای ادامه تحصیل باید به شهرهای دور بروند که هزینه‌های مالی و نگرانی‌های فرهنگی مانع آن می‌شود. پرپسا، ۱۶ساله از خوزستان می‌گوید: «مدرسه‌مون سرویس بهداشتی درستی نداره. بعضی وقتا خجالت می‌کشم برم.» این کمبودها، نه تنها به ترک تحصیل منجر می‌شود، بلکه کرامت انسانی دختران را که بند۹ اصل سوم بر آن تأکید دارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کیفیت پایین آموزش نیز مشکل‌ساز است. نبود معلمان ثابت، کمبود کتابخانه و آزمایشگاه و حتی فقدان تخته سیاه در برخی مدارس،

#### نکاه

#### به بهانه روز ملی دختر

### تحصیل، رؤیای ناتمام دختران روستا



پهنه‌ای برای بازنگری در سیاستگذاری‌ها، اصلاح قوانین ناقص، گسترش خدمات عمومی در روستاها و ایجاد گفتمان عدالت در مناطق محروم باشد. توجه به دختران روستایی، صرفاً یک اقدام بشردوستانه یا شعاری نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی برای توسعه پایدار کشور است. جامعه‌ای که نیمی از ظرفیت انسانی خود را در محرومیت نگه دارد، نمی‌تواند در مسیر پیشرفت و عدالت گام بردارد. روز دختر، نماد احترام به دختران است، اما احترام واقعی زمانی محقق می‌شود که با اقدام همراه باشد. دختران روستایی با همه محدودیت‌های‌شان، مستعدترین، سختکوش‌ترین و نجیب‌ترین بخش از جامعه دختران ایران هستند. آنها نه به ترجم که به فرصت نیاز دارند؛ فرصت تحصیل، رشد، آگاهی و مشارکت. بیایید روز دختر را نه با عکس‌های گل‌دار که با اصلاح قوانین و باز کردن درهای توسعه به روی دختران روستا جشن بگیریم.

#### نکته

#### «دختران روستایی»

### ظرفیت‌هایی که در سایه مانده‌اند



ظرفیت‌های دختران روستایی در حوزه فرهنگی نیز قابل توجه است. بسیاری از آنان حامل سنت‌های بومی، زبان‌های محلی و دانش‌های بومی هستند. با حمایت حقوقی از مشارکت آنان در تولید محتوای فرهنگی، حفظ میراث ناملموس و روایتگری اجتماعی می‌توان از دختران روستایی به‌عنوان سفیران فرهنگ اصیل ایرانی بهره برد.

نهایتاً دختران روستایی سرمایه‌ای ملی هستند، نه مسئله‌ای محلی. حقوق قانونی آنان اگرچه روی کاغذ وجود دارد، اما اجرای عادلانه و هوشمندانه آن، کلید بالفعل‌سازی ظرفیت‌هایی است که سال‌هاست در حاشیه مانده. روز «دختر» فرصتی است برای بازگشت نگاه‌ها به این ظرفیت‌های پنهان؛ نیمی از آینده‌ای که اگر دیده شوند، می‌توانند تمام یک تحول باشند.